



انواع مکاسب محرمة

مرحوم شیخ انصاری مکاسب محرمة را ۵ نوع دانسته است ولی در پایان ۳ مسئله را هم ضمیمه کرده است.

«النوع الأول: الاکتساب بالأعیان النجسة عدا ما استثنی؛ النوع الثاني: ممّا یحرم التکسب به ما یحرم لتحریم ما یقصد به؛ النوع الثالث: ممّا یحرم الاکتساب به ما لا منفعة فیہ محللة معتداً بها عند العقلاء؛ النوع الرابع: ما یحرم الاکتساب به لکونه عملاً محرماً فی نفسه؛ النوع الخامس: ممّا یحرم التکسب به [حرمة التکسب بالواجبات]؛ خاتمة تشتمل على مسائل: الأولى صرح جماعة کما عن النهایة، والسرائر والتذکرة و الدروس و جامع المقاصد بحرمة بیع المصحف. الثانية جوائز السلطان و عماله، الثالثة ما يأخذه السلطان المستحل لأخذ الخراج و المقاسمة من الأراضی باسمهما و من الأنعام باسم الزکاة»^۱

❖ اکتساب به اعیان نجسه

❖ اکتساب به آنچه مقصود از آن حرام است (مثل بیع انگور به کسی که می خواهد خمر بسازد)

❖ اکتساب به آنچه منفعت محلله غیر نادره ندارد

❖ اکتساب به آنچه حرام است (اکتساب به غیبت)

❖ اکتساب به واجبات

❖ بیع قرآن

❖ اکتساب با سلطان جائز در خراج و مقاسمه و زکات

❖ اکتساب به جوائز سلطان

این مطلب - بدون ضنائم سه گانه - در قواعد علامه هم آمده است.

«الأول: کل نجس لا یقبل التطهیر؛ الثاني: کل ما یكون المقصود منه حراماً؛ الثالث: بیع ما لا ینتفع به؛ الرابع: ما

نصّ الشارع على تحریمه عیناً؛ الخامس: ما یجب على الإنسان فعله یحرم الأجرة علیه»^۲

این در حالی که مرحوم شهید اول، به تقسیم بندی ۶ وجهی اشاره کرده است:

«هو أقسام: أحدهما: ما حرم لعینه کالغناء؛ و ثانيها: ما حرم لغایتها؛ و ثالثها: ما لا نفع مقصوداً منه للعقلاء، و رابعها:

۱. کتاب المکاسب، ج ۱ ص ۱۵

۲. قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۲ ص ۶

الاعیان النجسة و المتنجسة غير القابلة للطهارة، و خامسها: تعلق حق غير البایع به، و سادسها: ما يجب على المكلف فعله»^۱

در این تقسیم بندی، پنجمین نوع مثلاً در جایی صادق است که مال مغضوبه را به کسی بفروشیم. روشن است که این بیع، بیع فضولی است و از زمره محرمات نیست بلکه آنچه در بیع فضولی واقع می شود فساد است و نه حرمت. (و اگر حرمت پدید آید حرمت تصرف در مال غیر به سبب قبض و اقباض است و نه حرمت بیع و شراء).

مرحوم فخر المحققین نیز به تقسیم بندی ۶ وجهی قائل است:

«و المحرم منه انواع: الأول: الاعیان النجسة؛ الثاني: الآلات المحرمة، الثالث: ما يقصد به المساعدة على المحرم؛ الرابع: ما لا ينتفع به؛ الخامس: الأعمال المحرمة؛ السادس: أخذ الأجرة على القدر الواجب من تغسيل الأموات و تكفينهم و حملهم و دفنهم»^۲

آنچه ایشان تحت عنوان قسم دوم (آلات محرمه: مثل عود، طبل، نی، صنم، بت) و قسم سوّم (ما يقصد به المساعدة على المحرم: بیع سلاح به اعداء دین، بیع انگور برای شراب سازی بیع چوب برای بت سازی) آورده است، در تقسیم بندی شیخ انصاری، یک جا آورده شد و در قسم دوّم جای گرفته است.

❖ نوع اوّل: اکتساب به اعیان نجسه

عنوان بحث: هر گونه اکتساب به اعیان نجسه حرام است تکلیفاً الا بعضی موارد.

توضیح مفردات:

۱. اكتساب در بحث اعم از بیع، اجاره، هبه و .. است و به عبارت دیگر هر گونه معامله.
- مرحوم شیخ در نهایت^۳ و مرحوم محقق در شرایع^۴، صاحب جواهر^۵، علامه در تحریر^۶ از عنوان تکسب بهره گرفته اند. و شیخ در مبسوط از عنوان «بیع، اجاره، انتفاع به و اقتنا به» بهره برده است.

۱. الدروس الشرعیة، ج ۳ ص ۱۶۲

۲. مختصر النافع، ج ۱ ص ۱۱۶

۳. نهایت، ص ۳۶۴

۴. شرایع، ص ۲۶۳

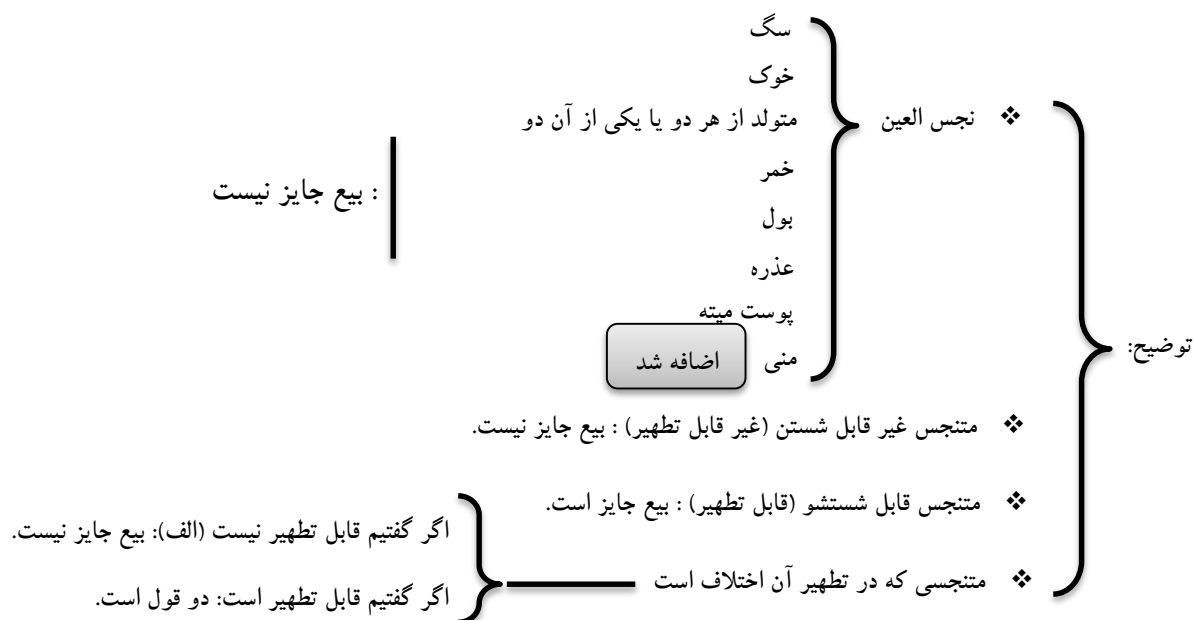
۵. جواهر، ج ۲۲ ص ۸

۶. تحریر، ج ۱ ص ۱۶۰

در مراسم^۱ و غنیه^۲ و مسالک^۳ و منتهی^۴ و تبصره^۵ از عنوان بیع استفاده شده است، مرحوم علامه در قواعد^۶ و تذکره^۷ از عنوان متاجر و تجارت بهره گرفته است.

۲. اعیان نجسه را مرحوم شیخ در مبسوط چنین بر می شمارند:

«و جملته أن الأعیان النجسة على أربعة أضرب: نجس العين، و هو الكلب و الخنزیر و ما توالد منهما أو من أحدهما، و ما فی معناهما [کلب و الخنزیر] و هما ما استحال نجسا [آنچه تبدیل به نجس شده] كالخمر و البول و العذرة و جلد الميتة فكل هذا نجس العين لا ينتفع به و لا يجوز بيعه. الثاني ما ینجس بالمجاورة و لا یمکن غسله، و هو اللبن و الخل و الدبس و نحو ذلك، فلا ینتفع به و لا یمکن غسله و لا یمکن بيعه بحال. و الثالث ما ینجس بالمجاورة و ینتفع بمقاصده و یمکن غسله و هو الثوب فهذا یمکن بيعه و البذر [بذری که در کشت استفاده می شود] مثله. و الرابع ما اختلف فی جواز غسله و هو الزيت و الشیرج فمن قال لا یمکن غسله لم یجز و من قال یمکن غسله فالبیع علی وجهین: فعندنا و إن لم یجز غسله فیجوز لانتفاع به بالاستصباح، فینبغی أن یقول إنه یمکن بيعه بهذا الشرط.»^۸



۱. الجوامع الفقهیه، ص ۵۸۴

۲. الجوامع الفقهیه، ص ۵۲۴

۳. مسالک، ج ۱ ص ۱۶۴

۴. ...

۵. تبصره، ص ۹۳

۶. القواعد، ج ۱ ص ۱۲۰

۷. تذکره، ج ۱۲ ص ۱۳۹

۸. المبسوط فی فقه الإمامیه؛ ج ۶، ص: ۲۸۴



اما در قسم الف: شیخ طوسی می فرماید بیع برای استصباح - یا بگوئیم به شرط استصباح - جایز است. ما در این بحث درباره قسم اول (آنچه نجس العین است) بحث می کنیم. و در ادامه بحث را در مورد بقیه ادامه خواهیم داد.

۳. آیا نجاست موضوع مستقلی است برای حرمت تکلیفی - اگرچه دارای منفعت حلال عقلایی باشد؟ و یا حرمت به سبب آن است که نجس دارای منفعت مباح و حلال نیست؟
ظاهر عبارت غنیه قول دوم است:

«و اشترطنا أن يكون منتفعا به، تحرزا مما لا منفعة فيه، كالحشرات و غيرها. و قیدنا بكونها مباحة، تحفظا من المنافع المحرمة، و يدخل فی ذلك كل نجس لا يمكن تطهيره إلا ما أخرجه الدلیل، من بیع الكلب المعلم للصید، و الزيت النجس للاستصباح به تحت السماء، و هو إجماع الطائفة.»^۱

هم چنین است عبارت فاضل مقداد در التنقیح الرائع:

«إنما حرم بیعها [بیع اعیان نجسه] لأنها محرمة الانتفاع و كل محرمة الانتفاع لا یصح بیعه.»^۲

و عبارت فخر المحققین در ایضاح الفوائد:

«انا اذكر قاعدة يعرف منها مسائل الخلاف و الوفاق و منشأ الاختلاف فی كل مسائل البيع (فأقول) مالا منفعة فيه أصلا لا يجوز العقد علیه لان ذلك يكون من أكل المال بالباطل فيحرم لقوله تعالى وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ و لم يقصد باذل ما لا ينتفع به الى الهبة فيجوز له و هذا الذي لا منفعة فيه لا یصح تملكه كالخمر و الميتة.»^۳

در حالیکه از عبارات دیگران به خصوص با توجه به اینکه بیع اعیان نجسه را قسیم «بیع ما لا منفعة محللة فيه» قرار داده اند، قول اول را می توان استفاده کرد. توجه شود که ما در این مسئله به دنبال بررسی احتمال اول هستیم که آیا نجاست موضوع مستقلی است یا خیر؟

۴. بالاجماع عبد کافر - اگرچه نجس العین است - ولی در موضوع بحث داخل نیست.

احتمالات مسئله:

در این مسئله بدون توجه به اینکه قائلی موجود است یا نه - احتمالاتی مطرح است:

۱. غنیه النزوع إلى علمی الأصول و الفروع؛ ص: ۲۱۱

۲. التنقیح الرائع لمختصر الشرائع؛ ج ۲، ص: ۵

۳. ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد؛ ج ۱، ص: ۴۰۱



الف) بیع اعیان نجسه جایز است مطلقا

ب) بیع اعیان نجسه حرام است مطلقا

ج) آن دسته از اعیان نجسه که منفعت محلله عقلایی (غیر نادره) دارند، بیعشان جایز است و الا حرام است.

د) بیع اعیان نجسه حرام است الا برخی موارد (مثل کافر، سگ و دهن متنجسه)

هـ) اعیان نجسه اگر قابلیت تطهیر دارند (خمر تبدیل به سرکه شود) بیعشان جایز است و الا حرام است.

و) اعیان نجسه اگر قابلیت تطهیر دارند، در صورتی که شرط شود تطهیرشان، بیعشان جایز است.

ز) بیع اعیان نجسه به مستحل آنها (چه کافر و چه کسی که فتوایش بر جواز بیع است) جایز است و الا حرام است.

❖ اقوال در مسئله:

معمول فقها به قول چهارم (د) گرایش دارند - اگرچه ممکن است از برخی عبارت های ایشان قول سوم (ج) را

بتوان استفاده کرد:

- شیخ طوسی:

«و جملته أن الأعیان النجسة علی أربعة أضرب: نجس العین، و هو الكلب و الخنزیر و ما توالد منهما أو من

أحدهما، و ما فی معناهما و هما ما استحال نجسا كالخمر و البول و العذرة و جلد الميتة فكل هذا نجس العین لا

ینتفع به و لا یجوز بیعه.»^۱

- ابن ادریس:

«نجس العین، و هو الكلب و الخنزیر، و ما توالد منهما، و ما استحال نجسا، كالخمر، و البول، و العذرة و جلد

المیتة، فكل هذا نجس العین، لا ینتفع به، و لا یجوز بیعه.»^۲

- محقق حلی:

«الأول الأعیان النجسة

كالخمرة و الأنبذة و الفقاع و كل مائع نجس عدا الأدهان ل فائدة الاستصباح بها تحت السماء و المیتة و الدم و

أرواث و أبوال ما لا یؤكل لحمه و ربما قیل بتحريم الأبوال كلها إلا بول الإبل خاصة و الأول أشبه و الخنزیر و

جميع أجزائه و جلد الكلب و ما یكون منه.»^۳

۱. المبسوط فی فقه الإمامیة؛ ج ۶، ص: ۲۸۴

۲. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ ج ۳، ص: ۱۲۷

۳. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ ج ۲، ص: ۳